



مهاجرت روستایی در کشورهای جهان سوم

پدیدآورنده (ها) : کامران، فریدون

اقتصاد :: نشریه تازه های اقتصاد :: خردادماه ۱۳۷۰- شماره ۱۷

صفحات : از ۵۰ تا ۵۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/995776>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۳/۱۱/۰۶

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران با فراتحلیل پایان نامه های تحصیلی (مقطع زمانی ۸۳-۱۳۵۹)
- فراتحلیل تحقیقات تجربی پیرامون رضایت از زندگی و تعداد فرزندان در کشورهای مختلف
- چاره اندیشی برای مشکل مهاجرت روستائیان
- جنسیت و مهاجرت: تحلیل جامعه شناختی تفاوت های جنسیتی در مهاجرت های داخلی در ایران
- نگاهی به مهاجرت روستایی در ایران
- عوامل مؤثر در مهاجرت روستائیان به شهرها، با تأکید بر شبکه مهاجرت (مورد: دهستان رستم دو) مهاجرت
- مهاجرت های روستایی در ایران و پیامدهای آن بر جامعه روستایی
- مهاجرت روستاییان به شهر و اثرات آن در کاهش فقر
- معرفی و کاربرد مدل کارت برای طبقه بندی تعداد فرزندان ایده آل زنان ۱۵-۴۹ ساله استان سمنان
- بررسی تأثیر فقر بر مهاجرت از روستا به شهر در ایران
- عوامل مؤثر اقتصادی، اجتماعی و بودجه های عمرانی دولت بر مهاجرت روستائیان در ایران

عناوین مشابه

- مهاجرت در کشورهای جهان سوم
- مهاجرت در کشورهای جهان سوم نظریات، تحقیقات و ارائه چارچوب نظری
- اطلاع رسانی: بانک اطلاعاتی: شاخص های کلان اقتصادی - اجتماعی کشورهای جهان در یک نگاه (قسمت سوم)
- گرایش به خانواده های کوچکتر : در کشورهای جهان سوم
- بحثی درباره تغذیه و ارتباط آن با رشد اقتصادی وضع تغذیه در کشورهای جهان سوم
- سیر تحول برنامه ریزی آموزشی مرکزی در کشورهای جهان سوم
- رقابت شرکتهای بیمه ملی کشورهای جهان سوم در بازارهای بدون تعرفه
- ارتش و سیاست در کشورهای جهان سوم: نگاهی به نظریات پژوهشگران آمریکائی و روسی
- توسعه صنایع در کشورهای جهان سوم
- سیاستهای مالیاتی در کشورهای جهان سوم

مقدمه

امروزه مهاجرت بی‌رویه روستایی در بعضی از کشورها و به خصوص کشورهای جهان سوم، به صورت یک مشکل اقتصادی-اجتماعی پیچیده در آمده است و نظر به افزایش سریع جمعیت شهرهای این کشورها و موقعیت اقتصادی آنها گرسنگی و فقر به خصوص بعضی از آنها را هر روز بیشتر تهدید می‌نماید. از این نظر این پدیده یعنی مهاجرت بی‌رویه روستایی، اهمیت بیشتری یافته واضطراب و نگرانی بسیاری از دست‌اندرکاران و متخصصان امور اجتماعی را برانگیخته است.

در اوایل قرن بیستم نرخ افزایش جمعیت شهرهایی با بیش از ۲۰ هزار نفر در کشورهای در حال رشد فقط ۹/۰ درصد

بوده است؛ در حالیکه از ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۰ این نرخ به ۳/۴ درصد رسیده و از ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۰ نیز به ۴/۵ درصد و بالاخره از آن تاریخ تا ۱۹۷۰ به ۵/۰ درصد در سال افزایش یافته است. به عبارت دیگر جمعیت شهرها در کشورهای رو به رشد از ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۵ بیش از ۴/۰ برابر شده و از ۱۱۱/۰ میلیون نفر به ۴۶۰/۰ میلیون نفر رسیده است. بنابر این چنانچه ما همین افزایش جمعیت را با افزایش جمعیت شهری کشورهای پیشرفته صنعتی در دوران انقلاب صنعتی که دورانی مشابه است (یعنی از ۱۸۸۰ تا ۱۹۱۴) مقایسه کنیم، می‌بینیم که افزایش جمعیت در کشورهای رو به رشد دو برابر بیشتر است. جمعیت شهرهای آسیا طبق آمار رسمی «سازمان بین‌المللی کار» از ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵ از ۱۱۱/۵ میلیون نفر به ۳۰۱/۳ میلیون نفر رسیده، یعنی در مدت ۲۵ سال حدود سه برابر شده است.

آمار دیگری در دست است که نشان می‌دهد در سال ۲۰۰۰ و در کشورهای در حال رشد بیش از یک میلیارد نفر به جمعیت شهرهای بیش از صد هزار نفر افزوده خواهد شد. این افزایش بیش از جمعیت تمام شهرهای جهان در سال ۱۹۷۰ است.

این پیش‌بینی مسلماً احتمالی است و با توجه به ارقام گذشته محاسبه شده است. یعنی به شرط ثابت بودن شرایط مختلف اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی در نظر گرفته شده است. چرا که عوامل طبیعی همچون سیل، زلزله و غیره و یا عوامل سیاسی چون جنگ و عوامل اقتصادی چون افزایش ناگهانی قیمت‌ها و بالاخره هر عامل غیر منتظره و پیش‌بینی نشده دیگر می‌تواند این رقم را تغییر دهد و جمعیتی را به طور ناگهانی به سوی شهرها سرازیر نماید و یا ندرن آن روند را کاهش دهد.

جهان سوم و مساله مهاجرت بی‌رویه روستایی

تاکنون مسؤولان مملکتی در کشورهای جهان سوم با توجه به امکانات و روشهای خاص خود با مهاجرت بی‌رویه روستایی برخورد کرده و سعی کرده‌اند با اعمال سیاست‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی تعادلی را بین رشد صنعتی و پیشرفت اقتصاد شهری با افزایش جمعیت شهری و در نتیجه مهاجرت بی‌رویه روستایی ایجاد نمایند؛ اما اغلب آنها در یک تضاد سیاستی قرار گرفته‌اند. تضاد از این نظر که از یک طرف خود را ملزم به سرمایه‌گذاری در بخشهای مختلف اقتصاد شهری جهت ایجاد کار، مسکن، خدمات بهداشتی، حمل و نقل و غیره برای تازه واردان روستایی دانستند و از طرف دیگر همین سرمایه‌گذاری‌ها خود شکاف و اختلاف سطح معیشتی بین شهر و روستا را وسیع‌تر کرده و باعث مهاجرت بیشتر میگردد.

مهاجرت روستایی در کشورهای جهان سوم

دکتر فریدون کامران عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی

- مسأله اساسی در توزیع عادلانه زمین و توزیع عادلانه در آمده‌است و برداشتن شکاف در آمدی بین شهری و روستایی.
- باید در بکارگیری مدل‌های توسعه کشورهای پیشرفته در کشورهای جهان سوم تردید کرد.
- مهاجران روستایی سربازان فراری از جبهه زندگی هستند یا قربانیان سیاست‌های غلط کشاورزی؟
- برای جلوگیری از مهاجرت روستاییان نه سیاست سرکوب مفید است و نه تبلیغ و تشویق. باید اقتصاد را درمان کرد.
- شهری که نتواند باعث توسعه اقتصادی کشور شود و محل مناسبی جهت پیشرفت و رشد اقتصادی نباشد، یک شهر پرازیتی است.

بنا به اظهار «سازمان بین‌المللی کار» مسؤولان ۶ کشور از ۷ کشور آسیایی از وضع مهاجرت روستایی خود اظهار نگرانی کرده و اعلام داشته‌اند که در کشورهاشان جمعیت به طور متعادل و درست در سطح مملکت تقسیم نشده است و در نتیجه سیاستهایی را جهت کند کردن و یا تصحیح روند حرکت جمعیتی اعمال می‌نمایند. اما همانطوریکه محقق و اقتصاددان «سازمان بین‌الملل کار» یعنی «اوبره Oberai» عنوان میکند، تمام این سیاستها نتایج محدودی داشته‌اند.^۲

مثلاً در سال ۱۹۷۰ دولت اندونزی سیاستی را به صورت یک کنترل اداری در مقابل مهاجران روستایی اعمال می‌نماید. بدین ترتیب که مهاجرانی که وارد پایتخت می‌گردند، باید دارای اجازه نامه موقت شش ماهه باشند. در این شش ماه مهاجر فرصت دارد که در شهر کار و مسکن پیدا کند تا کارت اقامت دائم دریافت دارد و در غیر اینصورت ملزم به مراجعت به روستای خود می‌باشد. البته این سیاست طبق نظر کارشناسان موثر واقع نشده، چرا که اولاً درست کردن مدارک جعلی آسان است و در ثانی تضمینی وجود ندارد که مهاجران رجعت داده شده دوباره به شهر برنگردند.

در چین هم سیاست تحمیل و اجبار و زور در مورد مهاجران اعمال گردید. بدین ترتیب که در دروازه‌های شهرها از ورود روستاییان به شهرها جلوگیری کرده و از آنها اجازه‌نامه رسمی از مسؤولان مملکتی می‌خواهند. البته این سیاست نیز با اصول حکومت مبتنی بر پایه احترام به شخصیت و اراده و اختیار افراد برای گزینش مسکن و کار، مغایرت دارد.

سیاست دیگری که در مقابل این پدیده اعمال گردیده، تمرکز زدایی کارخانجات و مؤسسات تولیدی از پایتخت و شهرهای بزرگی است که قادر به پذیرش تازه‌واردان جدید نمی‌باشند. این سیاست تا اندازمی در جمهوری کره موفق بوده است. در ایران خودمان هم در حدود سال ۱۳۴۵ اجرای همین سیاست اعلام گردید. بدین ترتیب که چنانچه کارخانجات و مؤسسات تولیدی در شعاع ۱۲۰ کیلومتری از تهران قرار گیرند،

از معافیت‌های مالیاتی برخوردار خواهند بود. البته این معافیت مالیاتی ابتدائاً باعث ایجاد کارخانجاتی در قزوین و اراک شد؛ اما در نهایت تمرکز زدایی به همان سالهای اولیه محدود ماند و بی‌نتیجه رها شد و مهاجرت به تهران مرتباً و با نرخ فزاینده ادامه یافت. زیرا اولاً سیستم بوروکراتیک و بانکی کشور در پایتخت آنقدر متمرکز بود که دور بودن از آنجا سرمایه‌داران را به دردرس می‌انداخت و ثانیاً ۸۵ درصد سرمایه‌گذارها در مؤسساتی با سرمایه بیش از ده میلیون ریال متعلق به فقط ۴۵ خانواده بود و همین ۴۵ خانواده قبلاً از تمام امتیازات و معافیت‌های لازم برخوردار بودند و چنین معافیتی نمیتوانست انگیزه‌ی قوی در آنها ایجاد کند تا کارخانه‌شان را کیلومترها دور از پایتخت قرار دهند.

یک سیاست دیگر در مقابله با مهاجرت بی‌رویه روستایی در کشور کنیا اعمال گردیده که به «توافق سه جانبه» معروف است. بدینصورت که یک توافقنامه سه جانبه جهت ایجاد سریع اشتغال در شهر بین دولت کنیا با سندیکای کارگری و صاحبان شرکتها و مؤسسات تولیدی به امضا رسید. به موجب این توافقنامه دولت و کارخانه‌داران متعهد گردیدند که به ترتیب ۱۰٪ و ۱۵٪ درصد به تعداد مشاغل خود اضافه کنند، مشروط بر آنکه برای مدت ۱۲ ماه سطح دستمزدها ثابت نگهداشته شود. البته بعد از انقضای مدت مزبور مدت این توافقنامه ۳ ماه دیگر افزایش یافت. اگر چه اثرات این سیاست مورد مطالعه و ارزیابی دقیقی قرار نگرفته؛ اما بسیاری از کارشناسان و صاحب نظران را عقیده بر آنست که «توافقنامه سه جانبه» در دراز مدت اثر زیادی بر روی سطح اشتغال نداشته، هر چند که در مدتی بسیار کوتاه و ضربتی شاید موثر بوده باشد. «پروفسور دارام گئی - Dharam P. Ghai» در این مورد چنین اظهار نظر می‌نماید: «دولت کنیا به دلیل مشکلات مالی قادر به انجام تعهدات خود نبوده است. البته با اعمال این سیاست جمعاً ۳۴۰۰۰ کار جهت کشاورزان بی‌زمین و بیکاران ایجاد گردید؛ اما هنوز مشخص نگردیده که آیا سطح خالص اشتغال (یعنی مشاغل جدید منهای مشاغلی که در

نتیجه مکانیزاسیون و یا هر عامل دیگری بین رفته‌اند) افزایش یافته است یا نه؟ مثلاً بسیاری از کارخانجات به تعهد خود وفا کرده و تعداد کارگزارانشان را افزایش داده‌اند اما از بیکارگیری افرادی که در نتیجه عوامل مختلف کارشان را از دست داده بودند، خودداری می‌نمودند. حتی اگر اعمال چنین سیاستی باعث ایجاد تعدادی مشاغل جدید گردد، باز هم این توافق سه جانبه هیچ گونه اثر بخشی مفیدی بر روی سطح بیکاری در شهر نداشته است. چرا که اعلان چنین سیاستی امید یافتن کار در شهر را در میان روستاییان افزایش داده و باعث مهاجرت بیشتر روستاییان شد و در نهایت سطح بیکاری در شهر افزایش یافت. پس آنچه مسلم است این سیاست تنها میتواند در مدت بسیار کوتاه و ضربتی و یا در حالت اضطراری اعمال گردد.»^۳

«قرار داد سه جانبه» در مدت ۱۵ ماهی که در این کشور اعمال گردید، در اصل نقش تثبیت درآمد و سطح دستمزد را در افزایش سطح اشتغال نشان داد. اما سوآلی که در این خصوص باید مطرح کرد، این است که آیا دولت در تثبیت سایر قیمت‌ها نیز موفق بوده است یا خیر؟

قاعدتاً ثابت نگهداشتن سطح دستمزد نسبت به درآمد روستاییان، باید اختلاف درآمد بین شهر و روستا را کاهش داده و باعث کاهش مهاجرت گردد؛ اما به طوریکه نامبرده عنوان میکند در اصل سطح دستمزد در شهر ثابت بود؛ لیکن درآمد قابل انتظاره یعنی آن درآمد غیر حقیقی که روستایی را به مهاجرت تحریک می‌نماید، افزایش یافته است. کما اینکه درست بعد از امضای این قرار داد سه جانبه وانتشار آن، ناظر جریان وسیعی از جویندگان کار از مهاجران روستایی بوده‌ایم، چرا که روستاییان اطلاع حاصل نموده بودند که برنامه‌ی جهت افزایش سطح اشتغال در شهر در دست اجراست. نتیجه آنکه طبق اظهار نظر «گئی» سطح بیکاری در شهر نه تنها کاهش نیافت؛ بلکه افزایش چشمگیری هم نمود و این در حالی بود که سطح اشتغال نیز آنطوریکه پیش‌بینی میشد بالا نرفت.

ناگفته نماند که در اگوست ۱۹۷۰

مجدداً در این کشور اجرای همین سیاست اعلام شد. یعنی «قرار داد سه جانبه» دیگری به امضاء رسید که طی آن دولت و کارخانه‌داران متعهد گردیدند که مشاغل شهری را سالانه ۱۰٪ درصد افزایش دهند. البته بنابر اظهار کارشناسان «سازمان بین‌المللی کار» این دومین کوشش برای افزایش سریع اشتغال نیز باعث افزایش بیشتر سطح بیکاری در شهر گردید.^۶

خودی باعث تغییر مدل تولید میگردد. چنین تغییری نیز خود باعث جهش از اقتصاد خود مصرفی به اقتصاد تجاری میشود.» گروه دیگری از صاحب‌نظران مهاجرت روستایی را به طور مشروط جهت پیشرفت و توسعه اقتصادی کشورها مفید دانستند. «مهتا S.Mehta» و «سووانی N.V.Sovani» دو اقتصاددان انگلیسی اعلام میدارند که مهاجرت روستایی تا درجه‌بی‌بخصوص میتواند برای توسعه اقتصادی مفید واقع

مهاجرت روستایی: عامل یا مانع توسعه اقتصادی؟

نسبت جمعیت شهر و روستا در کشورهای جهان سوم و مقایسه آن با کشورهای پیشرفته صنعتی این تفکر را در مخیله گروهي از صاحب‌نظران اقتصاد توسعه ایجاد نموده که اگر کشورهای جهان سوم پیشرفت بایسته را در صنعت نمی‌نمایند، برای اینست که در این کشورها درصد عظیمی از جمعیت در روستاها بسر می‌برند. هم چنین اگر مردم این کشورها از بگرسنگی رنج می‌برند و اگر در شرایط بد بهداشتی و درمانی قرار دارند برای اینست که مردمشان بیشتر به روستاها وابسته‌اند.

دلایلی که در تایید این نظر ابراز می‌شود، همانا آمار و ارقام جمعیتی این گونه کشورها و مقایسه آن با کشورهای پیشرفته میباشد و از آنجا نتیجه میگیرند که برای توسعه اقتصاد این کشورها باید جمعیت از روستاها به سوی شهرها سرازیر شود. یعنی جایی که شرایط زندگی بهتری برای مردم وجود دارد، زیرا در آنجاست که میتوان مدل مصرف خانواده را تغییر داد و همین تغییر مصرف و فعالیت در امور صنعتی و خدماتی خود باعث توسعه اقتصاد کشور میگردد.

پرفسور «مله سی - L.Mallasi» استاد «دانشگاه مونته‌پلیه» فرانسه در کتابش تحت عنوان «اقتصاد تغذیه کشاورزی» در جایی که از نشر و اعمال مدل توسعه غربی برای کشورهای جهان سوم سخن میراند، چنین میگوید: «شهر گرایی عامل اساسی تغییر مدل مصرف بوده و همین امر به طور خود به

چنین امتیازاتی نخواهد داشت. وی در تکمیل این نظر میافزاید که اهمیت تمرکز جمعیت در آسیا و دیگر کشورهای غیر باختری بیشتر نتیجه پایین بودن سطح زندگی دهقانی و مشکلات زندگی روستایی است.

اقتصاددانان دیگری هم هستند که نسبت به مهاجرت روستایی با نظری بدینانه نگرست و آنرا به طور مطلق برای جامعه مضر و خطرناک میدانند. این عده که بیشتر اکولوژیست‌ها هستند، مهاجران را مورد نکوهش قرار داده و آنها را به سرایانی تشبیه مینمایند که زیر بار سنگین مسئولیت و در مقابل دشمن زانوی عجز بر زمین زده و قرار را بر قرار ترجیح داده‌اند. این گروه در واقع معلول را به جای عامل نشانده و متهم می‌نمایند.

اما باید گفت که مهاجران در اثر شرایط بد زندگی مجبور به ترک دیار شده‌اند و دلیلی برای نکوهش آنان وجود ندارد. اینها قربانیان یک سیاست خاص کشاورزی در یک کشور هستند. قربانیان یک بحران جمعیتی و اقتصادی هستند که آنها را به سوی شهر میکشاند. آنهم شهری که آینده‌بی نامطمئن را برایشان تدارک دیده است.

اصولاً مهاجرت روستایی میتواند به عنوان یک حرکت طبیعی و زنده روستاییان مورد توجه قرار گیرد. یک جمعیت زنده و دینامیک که طبیعتاً محتاج حرکت و تنوع و

گردد. زیرا این امر پدیده‌یست که باعث تمرکز فعالیت و در نتیجه بالا رفتن سطح تجاری و بازاری و مصرفی جامعه میگردد و همین پدیده باعث گسترش راهها و حمل و نقل و تجمع تمام فعالیتهای اقتصادی و در نتیجه ایجاد خود به خودی تمام تخصصها و صنایع میگردد. در واقع شهر محلی است مناسب جهت تبادل فرهنگی و اجتماعی لازم برای توسعه اقتصادی. هم چنین شهر مرکزی است جهت پذیرش مهاجران روستایی و در نتیجه کاهش دهنده مشکل انفجار جمعیت و بیکاری در روستاها.

«پرت هوزلیتز - B.Hoselutz» به وجود دو نوع شهر قایل است. شهرهای پارازیتی و غیر پارازیتی یا شهرهای پذیرنده. وی معتقد است چنانچه شهری نتواند باعث توسعه اقتصادی کشور شود و محل مناسبی جهت پیشرفت و رشد اقتصادی نباشد، در آنصورت پارازیتی است. اما وی روشن نمیکند که یک شهر را در چه حدی میتوان پارازیتی دانست.

«فیلیپ هوزر - P.Hauser» بین کشورهای صنعتی و عقب نگه داشته شده تفاوت قایل است و میگوید: در کشورهای پیشرفته، صنعتی شدن در عین حال هم معلول و هم علت سطح بالای زندگی است. مهاجرت روستایی در این کشورها باعث پیشرفت در تقسیم کار و تخصصی‌تر شدن نیروی کار و بالا رفتن مهارت تکنیکی و در نتیجه افزایش بازده تولیدی میگردد. در حالیکه در کشورهای جهان سوم پدیده مزبور



جابه‌جایی است. بنابر این مهاجرت مفهومی است نسبی که برای موقعیت اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی یک مملکت می‌تواند مفید و کارا و یا مضر و خطرناک باشد. بنابر این ما نمیتوانیم پیشاپیش این مسأله را همچون یک حرکت مطلقاً شوم و مصیبت‌آور و یا یک حرکت مفید و لازم جهت توسعه اقتصادی مملکت بدانیم. چنانچه امکان یافتن کار در شهر وجود داشته باشد و شرایط اجتماعی شهری (مسکن، آموزش، بهداشت، تفریحات و رفاه اجتماعی) قدرت پذیرش جمعیتی انبوه‌تر از جمعیت فعلی شهر را داشته باشد، در آنصورت مهاجرت روستایی مفید و لازم است؛ اما متأسفانه در اغلب کشورهای جهان سوم - لااقل در حال حاضر - چنین امکاناتی و یا امکان فراهم کردن سریع چنین امکاناتی وجود ندارد و در نتیجه مهاجرت روستایی در این کشورها بر مشکلات اجتماعی - اقتصادی مملکت می‌افزاید. مشکلاتی از قبیل: خشک شدن و از بین رفتن مناطق روستایی، نزول سطح رفاه اجتماعی شهری، بد شدن شرایط زندگی و افزایش مشکلات اجتماعی مانند سرگردانی جمعیت عظیمی از مردم در شهرها، کمبود مسکن، آموزش، بهداشت و غیره. شکی نیست که صنعتی شدن و رشد اقتصاد شهری باعث جذب مهاجران روستایی می‌گردد؛ ولی به طور مسلم عکس مسأله نمیتواند درست باشد. متأسفانه اقتصاددانانی

که نسبت به مسأله مهاجرت روستایی در کشورهای جهان سوم خوشبین هستند، به جریان معکوس این مسأله بیشتر توجه دارند. مهاجرت روستایی میتواند علل مختلفی داشته باشد که یکی از علل آن هم توسعه اقتصاد شهری است. ولی امروزه علت غایی آن در کشورهای جهان سوم، همانا فقر روستایان و نامساعد بودن وضع اقتصاد کشاورزی و روستایی در این کشورها می‌باشد.

در اینجاست که باید اقتصاد کشورهای جهان سوم را به دلایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی از اقتصاد کشورهای پیشرفته صنعتی متمایز دانست و جهت بکارگیری مدلهای توسعه کشورهای پیشرفته در کشورهای جهان سوم تردید نمود. در کشورهای پیشرفته صنعتی، مهاجرت اغلب معلول انقلاب صنعتی و توسعه بخش صنعت بوده است. در نتیجه این جابه‌جایی جمعیتی با توسعه زندگی اقتصادی این کشورها همراه بوده است. به عبارت دیگر مهاجرت در این کشورها باعث پیشرفت شایان در تقسیم کار، تخصصی شدن نیروی کار، افزایش مهارت تکنیکی و بالنتیجه افزایش راندمان تولید گردیده؛ حال آنکه در کشورهای جهان سوم این پدیده بیشتر معلول ورشکستگی بخش کشاورزی و بحران زندگی روستایی می‌باشد. بنابر این مدل توسعه‌ی می‌تواند در این کشورها موفق باشد که اولاً بحران زندگی کشاورزی و زندگی روستایی را حل نموده و ثانیاً منطبق بر داشته‌های فرهنگی و اجتماعی این کشورها باشد.

نتیجه

با توجه به مطالبی که گذشت میتوان نتیجه گرفت که:

۱ - مهاجرت روستایی در کشورهای جهان سوم یک مسأله حاد اجتماعی - اقتصادی است.

۲ - این پدیده یک مسأله نسبی بوده که در شرایطی میتواند به حال توسعه اقتصادی - اجتماعی جامعه مفید باشد. چرا که اولاً میتواند باعث تبادل فرهنگی بین شهر و روستا - و به خصوص رشد فرهنگی روستایان - گشته و ثانیاً قادر است دامنه تقسیم

کار را وسیع‌تر و نیروی کار صنعت را تأمین نموده و در نتیجه رشد صنعت و شکوفایی تمدن جامعه را موجب گردد. اما در شرایطی نامساعد که شهر جوابگوی پذیرش تازه واردان نباشد، این امر بسیار مضر، خطرناک و مسأله‌انگیز است. و متأسفانه وضعیت امروز کشورهای جهان سوم بر شق دوم انطباق دارد. یعنی مهاجرت روستایی وضعیت بدی را ایجاد نموده و آینده وخیمی را هشدار میدهد.

۳ - تاکنون هیچیک از کشورهای جهان سوم نتوانسته است به طور اصولی و قاطع با مسأله مهاجرت روستایی برخورد نموده و این درد را درمان نماید و اغلب برنامه‌هایی که تاکنون به مورد اجرا گذاشته شده، سطحی و غیر واقع بینانه بوده و در نتیجه با شکست مواجه شده است.

امروزه تجربه ثابت نموده که سیاست سرکوب و یا سیاست تشویق و تبلیغ و ترغیب جهت برگشت به زمین و زندگی روستایی نمیتواند نتیجه بایسته‌یی داشته باشد. مسأله اساسی ناشی از بیماری اقتصادی این کشورهاست که باید آن بیماری را شناخت و درمان نمود.

مشکل اساسی این کشورها در اصل ناشی از وابستگی شدید آنهاست به کشورهای صنعتی جهان. به عنوان مثال وقتی قیمت طلا در بازار جهانی افزایش یا کاهش مییابد، وقتی قیمت دلار آمریکایی در بورس‌های کشورهای غربی افزایش یا کاهش مییابد، آیا میتوان ادعا نمود که چنین پدیده‌هایی هیچ تأثیری در روند مهاجرت روستایان ندارد؟ روستایانی که اقتصاد تولیدی، مصرفی و حتی توزیعی کشورشان کلاً وابسته به غرب است؟ یا وقتی قیمت کالاهای واسطه‌یی کشاورزی در کشورهای غربی افزایش مییابد، آیا در روند تولید کشاورزی و به طور غیر مستقیم بر روند مهاجرت روستایی تأثیری نمیگذارد؟

پس بدون تغییرات اساسی در ساختار اقتصادی این کشورها و بدون بریدن نسبی بندهای وابستگی تا حدی که بتوان لااقل از خود کفایی کشاورزی به صورتی واقعی و حقیقی سخن به میان آورد، تجسم هر راه حلی جهت مهاجرت روستایی با بن بست مواجه خواهد شد.



- 1- Bairoch- Paul Taille de villes; condition de vie, et developpement economique" Edition: E.H.E.S.S. 1977
- 2- Ghai- P- Dharam "Employment performance, prospects and policies in Kenya", 1970 Cambridge University
- 3- Fred- Haliday
- 4- Hauser- Philippe- "The social economic and technological problemes of rapid urbanization, industrialization and society
- 5- Hoselitz- Bert "Sociological aspects of economic growth " - the free press 1960
- 6- Kazemi- Farhad" poverty and revolution in Iran" The migrant poor, urban margina lity press
- 7- Lee- Everett S "A theory of migration Demography 3- 1966
- 8- L- Malassi " Economic agro- alimentaire ", Tome 1 Edition: Pram
- 9- Mehta - Swinder" Sommedemographic economic cerfelate of primate citie: A case formicevolution in breece (The city in newly developing countries)
- 10- Oberai- Revue No 3 (17 Aut 1981)
- 11- Pille- Jean + "L exode rural" - col: Que sais - je? - Edition: P.U.F 1979
- 12- Sovani- N.v. "The analysis of over urbanization economic development and cultural change , january 1964
- 13- Todaro - Michael "L exode rural en Afrique" B.I.T.Revue No 5 Vol 104 novembre 1971



همآهنگ و همگام در راه رفاه اجتماعی و بهتر کردن زندگی شهر و روستا پیش بروند.

زیر نویس ها

(۱) این آمار توسط «پل بروش- Bairoch Paul» به نقل از سازمان بین‌المللی کار ذکر شده است؛ اما آمار دیگری داریم از نشریه P همین سازمان (یعنی مجله شماره ۳ مورخ ۱۷ اوت ۱۹۸۱) که می‌گوید در همین مدت جمعیت شهرهای منطقه آسیا از ۲۱۸ میلیون نفر به ۵۷۴ میلیون نفر رسیده است و پیش‌بینی می‌کند که این رقم در آخر همین قرن احتمالاً از مرز ۱۴۰۰ میلیون نفر خواهد گذشت این اختلاف آمار به خاطر اختلاف در تعریفی است که مراکز مطالعاتی مختلف از «شهر» دارند.

(۲) B.I.T.Revue No3 (17 aut 1981)

(۳) «فرد هالیدی» - «ایران دیکتاتوری و توسعه»

(۴) Dharam.P.GHAI "Employment performance..." Page 11.

(۵) Revenu Escompte

(۶) Michael P.TODARD "L'exode rural en Afrique" B.I.T.Revue No5 Vol. 104 Page. 436

(۷) وابستگی کمابیش برای تمام کشورها وجود دارد و هیچ کشوری را نمیتوان به صورت مطلق «خودکفا» دانست؛ اما بحث اساسی بر سر مبادلات نابرابر جهان سوم با کشورهای صنعتی است یعنی نابرابری شدید ناشی از وابستگی شدید و بالعکس.

درآمد اکثریت روستاییان در کشورهای جهان سوم بسیار پایین است و توزیع زمین‌های کشاورزی بی‌ارناماسه، به طوریکه یک روستایی با قطعه زمین کوچکش قادر به اداره یک واحد کشاورزی و تأمین مخارج کشت و داشت و برداشت و همچنین تأمین مخارج مصرفی خانواده خود نمیشد، پس مسأله اساسی در توزیع عادلانه‌تر زمین و با توزیع عادلانه‌تر درآمدها و برداشتن شکاف درآمدی بین شهری و روستایی نهفته است. اگر اغلب راه‌حلهایی که کشورهای جهان سوم در پیش گرفته‌اند، با شکست مواجه شده است و یا نتیجه بایسته حاصل نگردیده، به واسطه آنست که اغلب به معلولها پرداخته و در راه کشف علت افعال نموده‌اند. علت را باید در نابرابریها و وابستگیها جستجو نمود.

بدون شک نتیجه مستقیم مهاجرت روستایی، رشد شهرنشینی است و شهرنشینی نیز مسایل و مشکلاتی را به همراه خواهد داشت که حل آنها مستلزم سرمایه‌گذاری وسیع در تجارت شهر، صنعت شهر و زیرسازهای شهر است و همین مسایل خود مهاجرت روستایی را افزایش میدهد. این همان نتیجه مستقیم برخورد با معلول است و نه با علت. پس با مسأله مهاجرت روستایی نباید به صورت سطحی برخورد نمود، به گونه‌ای که معلولها ما را به دنبال خود بکشند بلکه باید سیاستی اصولی و اساسی در راه توسعه اقتصادی در پیش گرفت، آن‌چنان که توسعه صنعت و کشاورزی به صورت